

مداخلات معنوی در روان‌درمانی کودک و نوجوان

تألیف

دونالد ف. واکر و ویلیام ل. هاثوی

ترجمه

دکتر محمدرضا محمدی

استاد روان‌پزشکی

فوق تخصص روان‌پزشکی کودک و نوجوان

مرکز تحقیقات روان‌پزشکی و روان‌شناسی

دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر مریم ده‌نیا

عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات روان‌پزشکی و روان‌شناسی

دانشگاه علوم پزشکی تهران

سوده آقامحمدی

کandidای دکتری روان‌شناسی بالینی

دانشگاه شهید بهشتی

ویرایش

داود کاظمی



کتاب ارجمند



دونالد ف. واکر و ویلیام ل. هاثوی

مداخلات معنوی در روان‌درمانی کودک و نوجوان

ترجمه: دکتر محمدرضا محمدی، دکتر مریم سلمانیان،

سوده آقامحمدی

فروست: ۱۱۱۸

ناشر: کتاب ارجمند

صفحه‌آرا: خدیجه دودانگه

مدیر هنری: آسان ارجمند

سرپرست تولید: مرضیه شکی

ناظر چاپ: سعید بانکشلو

چاپ و صحافی: سمیرنگ

چاپ اول، اسفند ۱۳۹۶، ۱۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۰۰-۵۷۸-۶

این اثر، مشمول قانون حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است، که تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مؤلف، ناشر، شایع‌کننده یا عرضه‌کننده مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت

www.arjmandpub.com

عنوان و نام پدیدآور: مداخلات معنوی در روان‌درمانی کودک و نوجوان / تألیف [صحیح: ویراستار] دونالد ف. واکر و ویلیام ل. هاثوی؛ ترجمه دکتر محمدرضا محمدی، دکتر مریم سلمانیان، سوده آقا محمدی؛ ویراستار داود کاظمی.

مشخصات نشر: تهران کتاب ارجمند، ارجمند ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۲۸۰ ص. قطع وزیری.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۰۰-۵۷۸-۶

یادداشت: عنوان اصلی: Spiritual Interventions In Child and Adolescent Psychotherapy, 2013

موضوع: نوجوانان - روان‌درمانی، Adolescent Psychotherapy.

معنویت، Spirituality، روان‌درمانی - جنبه‌های اخلاقی،

Counseling-Moral and Ethical Aspects

شناسه افزوده: واکر، دونالد فرانکلین، ویراستار، (Walder,

Donald F. Donald Franklin)

ویراستار، (Hathaway, William L. William L. loyd)

محمدی، محمدرضا، ۱۳۳۴-، مترجم، سلمانیان، مریم،

۱۳۶۰-، مترجم، آقامحمدی، سوده، ۱۳۵۹-، ویراستار.

رده‌بندی کنگره: RG ۵۰۳/م۳ ۱۳۹۵

بندی دیویی: ۶۱۸/۹۲۸۹۱۴

شماره کتابشناسی ملی: ۴۵۱۷۴۰۴

مرکز پخش انتشارات ارجمند

دفتر مرکزی تهران بلوار کشاورز، بین خ کارگر و ۱۶، پلاک ۲۹۲، تلفن ۸۸۹۸۲۰۴۰

شعبه مشهد ابتدای احمدآباد، پاساژ امیر، انتشارات مجد، تلفن ۵۱-۳۸۴۴۱۰۱۶

شعبه رشت خ نامجو، روبروی ورزشگاه عضدی، تلفن ۰۱۲ ۳۲۱۰۳۸۶

شعبه بابل خ گنج افروز، پاساژ گنج افروز، تلفن ۰۱۱ ۳۲۲۲۷۶۴

شعبه ساری بیمارستان امام، روبروی ریاست تلفن ۰۹۱۱ ۰۰۲۰۰۹۰

شعبه کرمانشاه خ مدرس، پشت پاساژ سعید، کتابفروشی دانشمند تلفن ۰۸۳-۳۲۱۰۰۴۴

بها: ۲۴۰۰۰ تومان

با ارسال پیامک به شماره ۰۲۱۸۸۹۸۲۰۴۰ در جریان تازه‌های نشر ما قرار بگیرید:

ارسال عدد ۱: دریافت تازه‌های نشر پزشکی به صورت پیامک

ارسال عدد ۲: دریافت تازه‌های نشر روان‌شناسی به صورت پیامک

ارسال ایمیل: دریافت خبرنامه الکترونیکی انتشارات ارجمند به صورت ایمیل

فهرست

.....	سخن مترجم	۹
.....	مقدمه	۱۱

الف) بنیادها و بستر

.....	فصل اول - اخلاقیات، موضوعات مذهبی و روان‌شناسی بالینی کودک	۲۵
.....	فصل دوم - ارزیابی مشکلات معنوی و مذهبی در روان‌شناسی بالینی کودک	۵۱
.....	فصل سوم - پرداختن به معنویت والدین به عنوان بخشی از مسأله و راه‌حل در روان‌درمانی خانواده	۷۵
.....	فصل چهارم - مداخلات معنوی‌گرا در زمینه رشد	۹۹

ب) مداخلات

.....	فصل پنجم - پذیرش	۱۲۱
.....	فصل ششم - روان‌درمانی آگاهی معنوی با کودکان و نوجوانان	۱۴۵
.....	فصل هفتم - متون مقدس	۱۶۳
.....	فصل هشتم - دعا	۱۹۱
.....	فصل نهم - تصاویر خدا	۲۱۹
.....	فصل دهم - مداخلات بخشش با کودکان، نوجوانان و خانواده‌ها	۲۴۳
.....	سخن آخر: تأمل‌ها و مسیرهای آینده	۲۶۹
.....	واژه‌نامه انگلیسی به فارسی	۲۷۷
.....	واژه‌نامه فارسی به انگلیسی	۲۷۹

مقدمه

دونالد ف. واکر

تجربه‌های شخصی، مرا به نوشتن دربارهٔ مداخلات معنوی در روان‌درمانی کودک و نوجوان واداشت. تجربه‌هایی که ابتدا به‌عنوان دانشجوی مقطع دکتری، سپس روان‌درمانگر بخش خصوصی و سرانجام سرپرست بخش درمان دانشجویی داشتم، باعث ایجاد این علاقه شد. من شاهد قدرت معنویت و مذهب در ایجاد مشکل یا حل مسائل بیماران بوده‌ام.

نخستین دورهٔ کارورزی من تجربه‌ای دربارهٔ مسیحیت بود که به شکل خصوصی و سرپایی در کالیفرنای جنوبی انجام می‌گرفت. یکی از افرادی که در آنجا برای درمان به من ارجاع داده شد، کودکی آمریکایی-آفریقایی بود. هنگامی که این مسیحی این کودک برای انجام مقدمات پذیرش فرزند خود با کارکنان مرکز درمان تماس گرفت، تحت ابراز کرد که پسرش دچار شیطان‌زدگی شده است.

از آنجایی که محل کار من در دفتر مرکزی نبود، پس از طریق پیام تلفنی به من ارجاع داده شد. تنها این سؤال را از من پرسیدند که آیا در زمینهٔ تسخیر شیطان تخصص دارم یا نه؛ و هیچ توضیح دیگری داده نشد. من هم که از ساعات کارورزی خسته شده و سرمست غرور از شش جلسهٔ تمرینی در اولین ترم بهار بودم، آب دهانم را به‌سختی قورت دادم و با بی‌تماس گفتم:

در جلسات ارزیابی بعدی، حدس من به‌یقین تبدیل شد؛ کودک در حقیقت توسط شیطان تسخیر نشده بود و تنها برخی از بازی‌های رایانه‌ای خشن را تجربه کرده بود. هیچ‌کس از آنها دیابلو، واژه‌ای اسپانیایی به معنی دیو بود. علاوه بر این، بیمار من دچار مشکلات رفتاری در خانه و مدرسه بود و تاندازه‌ای به مداخلات رفتاری مادرش پاسخ مثبت داده بود. مادر او تنها زندگی می‌کرد و برای تربیت فرزند خود که اکنون بیمار من بود، به سختی تلاش می‌کرد. او فرزندان دیگری هم در خانه داشت. از دید من، مادر بیش‌ازحد و بیشتر از سایر فرزندان به وی سخت می‌گرفت و او را کنترل می‌کرد. پس از گذشت چند ماه از روان‌درمانی، سعی کردم به او کمک کنم تا از تعالیم کتاب مقدس در شیوهٔ تربیتی‌اش بهره گیرد و برای او از «افسیان ۶:۴» نقل کردم که به پدران و مادران دستور می‌داد: «فرزندان خود را خشمگین نسازید». او ناگهان دو جلسه بعد را لغو کرد. خوشبختانه، با تماس دوباره و عذرخواهی از وی موفق شدم ارتباط کاری‌مان را اصلاح کنم و او برای روان‌درمانی بازگشت. بیشتر

جلسات کارورزی به خوبی پیش می‌رفت و خانواده بعد از شش ماه تعامل و همکاری با یکدیگر، روان‌درمانی را با موفقیت به پایان رساندند.

در روند کار با خانواده او، من درس‌های ارزشمندی را درباره استفاده از مداخلات معنوی در روان‌درمانی آموختم. اول اینکه همان‌طور که ماهونی و همکارانش در «فصل سوم» بیان می‌دارند: «آن نوع شیوه زندگی که انسان‌ها از مذهب خود دریافت می‌کنند همیشه از لحاظ معنوی و روان‌شناختی سالم نیست.» در این مورد خاص، مادری که سعی داشت به ایمان دینی خود پایبند بماند، مفهوم معنوی حق انتخاب بازی‌های ویدئویی توسط فرزند خود را به شکل اغراق‌آمیزی تفسیر کرد. شاید او تمایل داشت متن‌هایی را از کتاب مقدس دست‌چین کند که تأییدکننده تفسیرش از مفهوم بازی‌های رایانه‌ای در ارتباط با وضعیت معنوی فرزندش باشد. به همین دلیل ممکن بود، استفاده از متن کتاب مقدس برای شروع درمان با تناقض همراه باشد.

همچنین، درجه باور دارم ارزیابی من درمورد ناکارآمدی شیوه والدگری او درست بود، اما هنگامی که برای نشان دادن این ناکارآمدی از کتاب مقدس استفاده کردم، با شکست مواجه شدم. زمانی که به عقب برمی‌گردم، درم یابم که باید به آهنگ کلماتی که از دهانم خارج می‌شد توجه می‌کردم؛ به خصوص هنگام اشاره به متن مقدسی که او بدان باور داشت و من از آن برای تأیید شیوه درمانی خود و به چالش کشیدن شیوه والدگری او بهره می‌بردم.

به دلیل اهمیتی که والدین بسیار زود برای متون کتب مقدس قائل‌اند، می‌بایست پیش از به چالش کشیدن اساسی شیوه فرزندپروری او با کتاب مقدس مسیحیان، ابتدا به فهم معنوی شیوه والدگری وی می‌پرداختم، آنگاه درک او را از رجاعات فراوان به کتاب مقدس درباره شیوه والدگری، مورد بررسی قرار می‌دادم (به جای به چالش کشیدن مستقیم او با ارجاعی مشخص به کتاب مقدس). اگر من بدین روش با او وارد گفتگو می‌شدم، شاید حالت تدافعی کمتری می‌گرفت و درباره دوگانگی بین اهداف والدگری بیان‌شده خود (پرورش فرزند بر پایه باور مسیحی و به کارگیری تعلیمی که با ایمانش هم‌خوانی داشت) و رفتارهای والدگری‌اش، بیش‌ازپیش تفکر می‌کرد.

بعد از این تجربه، هرگز چنین اشتباهی را با والد مذهبی دیگری تکرار نکردم. هرچند پس از بازبینی اشتباهاتم، سرانجام اقدام به تألیف پروتکلی کردم، که به منظور استفاده از کتاب مقدس در محیط آموزشی جهت برگزاری برنامه‌های والدگری برای والدین مسیحی محافظه‌کار استفاده می‌شود، که در فصل هفتم این کتاب معرفی شده است.

سال‌ها بعد و پس از تجربه‌های بالینی متعدد در مرکز سرپایی سلامت روان کودکان، در کانتون اوهایو مشغول به کار شدم؛ این دوره برای گذراندن دوره کارورزی پیش از دکترای من بود. در اوایل همین سال با چند بیمار درگیر با مسائل معنوی مواجه شدم که به نظر می‌رسید از مشکلات یکسانی رنج می‌بردند. برای نمونه، والدین متعددی بچه‌های مبتلا به مشکلات رفتاری خود را به این مرکز آورده و به روشنی نگرانی خود را ابراز می‌کردند، نگرانی از اینکه نوجوانان‌شان رفتاری متناسب با

تربیت مذهبی‌ای که در آن پرورش یافته‌اند، از خود نشان نمی‌دهند. این گونه والدین بیشتر به بیان شیوه‌های والدگری خاص خود در سایه سنت‌های معنوی‌شان می‌پردازند. آنها همچنین به وسیله شیوه‌های تربیتی معنوی مانند تشویق فرزندان‌شان به دعا و مطالعه متون مقدس، سعی در پرورش و اصلاح رفتارهای ایشان دارند. علاوه بر این، بیشتر این والدین برای جلب حمایت‌های اجتماعی به کلیسا گرایش پیدا می‌کنند و با اعضای کلیسا مانند قوم و خویش سببی خود رفتار می‌کنند.

افزون بر این، بسیاری از نوجوانانی که دچار اختلال نافرمانی مقابله‌ای یا اختلال رفتار بودند، در مرحله‌ای از درمان همیشه درباره مسائلی چون بخشش، با والدین‌شان به گفتگو می‌پرداختند؛ هرچند آنها نمی‌توانستند تشخیص دهند که چه چیزی را به عنوان بخشش از پدر و مادرشان خواستارند. علاوه بر این، برخی از کسانی که پس از مرگ عزیزان‌شان، سوگواری و اندوه فراق دردناکی را تجربه کرده بودند، با خدا، ربابا، لنتگی‌هایشان گفتگو می‌کردند. آنها آگاهی زیادی نداشتند که از راه گفتگو با من در اتاق روان‌درمانی درباره دستگیر شدن با خدا، درواقع در حال پیش کشیدن مسائل مرتبط با بهره‌گیری از دعا در روان‌درمانی هستند و در نهایت اینکه پسری که به چندین کودک جوان‌تر از خود تعرض کرده بود پیوسته به این رانندگی که آیا خدا او را خواهد بخشید یا نه.

من هشیارانه این موضوعات را در جلسه مربوط به سرپرستی مطرح کردم. البته کمی در انجام این کار دو دل بودم، زیرا می‌خواستم نسبت به معطلی که در آن مشغول به کار بودم، حساس باشم و نیز از ایجاد این تصور پرهیز کنم که من ارزش‌های مذهبی خود را به بیماران تحمیل می‌کنم؛ اما تعجب‌آور بود که سرپرستم از تصویری که از بیماران خود ترسیم کرده بودم حمایت کرد. او بیان داشت که ما در «بایبل بلت» (کمبریج کتاب مقدس، ایالات‌های جنوب آمریکا که بنیادگرایی مذهبی در آنها رواج بیشتری دارد) قرار داریم و بسیاری از مراجعه‌تندگان من، گاهی مذهبی به زندگی خود دارند و همواره موضوعات معنوی یا مذهبی را به پیش می‌کشند. در دوران کارورزی، او به من کمک کرد تا درباره نگرانی‌های مذهبی، به شیوه‌ای سخن بگویم که حریم محدوده درمان مرکزی که به عنوان مرکز سلامت روان اجتماع در آن فعالیت داشتیم، رعایت شود. در اواخر سال درمان که وی یهودی است و ملاحظات ما در جلسه سرپرستی درباره دین و معنویت در فضایی بین‌مذهبی انجام گرفته است. این تجربه، تنوع شیوه‌های معنویت در روان‌درمانی کودک و نوجوان را، پررنگ کرد. همچنین این نوع تجربه‌ها توانایی معنویت را چه برای انجام مداخله مثبت و چه مداخله منفی، به تصویر کشیدند. در همین راستا، اگرچه شمار روزافزون متخصصان سلامت روان، اهمیت گفتگو درباره معنویت در درمان را به رسمیت می‌شناسند، اما حصول اطمینان از اینکه معنویت به صورت کارآمد با تکنیک‌های مستدل ادغام شده باشد، به راهنمایی‌های بیشتری نیاز دارد.

چنین راهنمایی‌هایی به‌ویژه برای روان‌درمانی کودک و نوجوان موردنیاز است. همان‌طور که تجربیات پیشین من نشان می‌دهد کودکان و رویکرد خانواده آنها، چالش‌های منحصر به فردی را بر سر راه درمانگرانی قرار می‌دهند که مایل به استفاده از مداخلات معنوی هستند. شاید نیاز باشد درباره

بیشتر این چالش‌ها، به گفتگو دربارهٔ دغدغه‌های اخلاقی مانند جلب رضایت والد و رضایت کودک بپردازیم. افزون بر این، خانواده و محیط رشد کودکان و نوجوانان چالش‌های واحدی را در خود دارند. در بعضی از موارد ممکن است معنویت کودک یا والدین او به‌جای اینکه یک منبع حمایتی باشد، خود امری مشکل‌زا شود. همچنین، معنویت می‌تواند با مشکل موجود و تصویری که از مشکل ارائه می‌شود، مرتبط باشد یا نباشد. در هنگام رویارویی با این چالش‌ها، انجام ارزیابی دقیق ضروری به نظر می‌رسد.

این کتاب چگونگی تأثیر مداخلات معنوی بر مراجعین کودک و نوجوان و خانوادهٔ آنها که مبتلا به دامنه‌ای از مشکلات هستند را به تصویر می‌کشد. اخلاقیات، ارزیابی، خانواده و محیط رشد کودک، نقش چارچوب را بازی کرده و شیوه‌های گوناگون مداخله مانند دعا، بخشش و استفاده از متون مقدس و تساویر خدا، در دل این چارچوب قرار می‌گیرد. مداخلات می‌توانند به‌صورت صریح در محیط‌های مذهبی و در صورت انتخاب در محیط‌های سکولار برای بیماران دارای نظام‌های ارزشی ناهمسان، تأثیر گذار باشد. این کتاب به‌ویژه مسیحیت، یهودیت، اسلام و معنویت کلی‌تری را که بر پایهٔ هدایت جهان استوار است، مورد خطاب قرار می‌دهد. هر فصل، شامل بررسی موردی یک بیمار است.

کتاب حاضر با دوشوی گسترده‌تر جدا و درعین‌حال همگرا، به‌پیش برده می‌شود: پیشرفت‌های دنیای روان‌درمانی کودکان و پیشرفت‌های روان‌شناسی مذهب و معنویت. با توجه به مورد اول، تجربه‌های علمی برای ارائهٔ انواع مسأله بیشتر بافت روان‌درمانی کودک و نوجوان از رفتارهای مقابله‌ای و اضطراب گرفته تا افسردگی و سوگند دورهٔ دوران کودکی را به سیطرهٔ خود درآورده است، (برای نمونه، کوهن، مانارینو و دبلینگر، ۲۰۰۶؛ ویس و کازدین، ۲۰۱۰). در ارتباط با مورد دوم، تحقیقاتی به‌صورت تجربی در حال انجام است که مداخلات معنوی شامل دعا، بخشش، متون مقدس و دیگر موارد را در درمان مشکلات سلامت روان مانند اختلال اضطراب و افسردگی، مؤثر می‌داند (برای نمونه مراجعه شود به آتن، مک‌مین و ورتوینگتون، ۲۰۱۱).

من از اندیشه‌های موردبحث در این کتاب، به‌عنوان ابزاری به‌کار می‌گیرم و آن را در دو حیطهٔ مجزا از هم در تحقیق‌های بالینی و دنیای درمان استفاده می‌کنم؛ اگرچه مداخلات معنوی موردبحث در این کتاب، در نقطهٔ آغازین دستیابی به تأییدات تجربی است اما تجربیات بالینی پرستندگان نشان داده است که این رویکردها مؤثر و مفید هستند. ادامهٔ این مقدمه، پس‌زمینه‌ای از اطلاعات دربارهٔ مداخلات معنوی را ارائه کرده و بیان می‌کند که این کتاب چگونه ترتیب و سامان‌دهی شده است.